



## کتاب «امثال و کنایات در سنجه آیات و روایات» روانه بازار نشر شد

کتاب «امثال و کنایات در سنجه آیات و روایات» اثر محمود مهرآوران در ۴۲۴ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید.

کتاب «امثال و کنایات در سنجه آیات و روایات» اثر محمود مهرآوران در ۴۲۴ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید.

به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «امثال و کنایات در سنجه آیات و روایات» اثر محمود مهرآوران در ۴۲۴ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید.

فرهنگ عامه مجموعه ای از باورها دانستنی‌ها حکمت‌ها ضرب‌المثل‌ها مثل‌ها کنایات و سخنان مشهور است که محتوا و زندگی مردم را نشان می‌دهد این باورها در نیازها نوع نگرش جهان بینی احساسات و عواطف اخلاق عادات و ویژگی‌های فرهنگی تجربه و آرمان‌های زندگی ریشه دارد بسیاری از این باورها ممکن است با دانش و زندگی امروز درست یا نادرست باشد این کتاب اندکی از تعبیرات و سخنان مشهوری است که در زندگی عمومی ما بر زبان‌ها جاری است و کوشش شده با برخی آیات و روایات تطبیق داده شود تا روایی و ناروایی بودن آنها از این منظر روشن شود محتوای این مجموعه شامل چهار دسته از مطالب است:

۱. مثل، ضرب‌المثل، کنایه یا سخنی مشهور که بر باوری فرهنگی یا تجربه ای از زندگی دلالت دارد.

۲. آیات قرآن که متناسب با سخن مورد نظر می‌توان در تأیید یا رد باورهای فرهنگی و اجتماعی به آنها استناد کرد.

۳. احادیث و روایاتی که مرتبط با مبحث مورد نظر در متون روایی دیده می‌شوند و با موضوع تناسب دارند.

۴. شواهدی از متون ادبی به ویژه اشعار فارسی که آن باور را بازتاب داده یا باعث گسترش و پایداری باورها و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و عمومی مورد نظر شده اند.

مجموعه شواهد گردآمده در این کتاب به زبانی ساده با برخی آیات قرآن که به گونه ای می‌توان در این باره به آنها استناد کرد، سنجیده شده است. نیز به سخنان و روایات پیامبر و امامان بزرگوار شیعه در بررسی و تطبیق این مجموعه استناد گشته، اما ملاک در بیان روایات، منابع مهم و مشهور متداول است. ممکن است درباره برخی از این احادیث و روایات، تشکیک‌ها و تردیدهایی باشد، اما در این کتاب نه مجال واکاوی سلسله حدیثی آن بوده و نه در تخصص مؤلف آن.

### ساختار اثر

این اثر در شش فصل تألیف شده است؛ در فصل اول که با عنوان «رویدادها و کردارها» به رشته تحریر درآمده، مباحثی از جمله «آب رفته به جوی برنمی‌گردد»، «پشیمانی سودی ندارد»، «خدا گز حکمت ببندد دری / ز رحمت گشاید در دیگری»، «نیکی و پرسش؟»، «به امان خدا»، «عمر کسی وفا نکردن»، «شتر دیدی ندیدی»، «جادو و جنبل کردن»، «چله گرفتن / چله نشستن / چله نشینی»، «اشهد خود یک کسی را خواندن»، «دعا نوشتن / دعا گرفتن»، «جای شکرش باقی است» تبیین شده است.

نویسنده در فصل دوم با عنوان «صفات، ویژگی‌ها، روحیات و رفتارها» مباحث اعم از «شق القمر کردن»، «حلالیت طلبیدن / حلال بودن»، «آب زیرکانه»، «بوقلمون صفت»، «حسود هرگز نیاسود!»، «از خدا پنهان نیست از شما چه پنهان؟!»، «از خر شیطان پایین آمدن»، «مثل قلب مؤمن»، «نه سیخ بسوزد نه کیاب»، «تو حول و ولا افتادن»، «جان به عزرائیل ندادن»، «در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است»، «کافر همه را به کیش خود پندارد»، را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

«باورها و عقاید» عنوان سومین فصل از کتاب حاضر است که در این فصل عباراتی مثل «بسم الله گفتن»، «آب روشنایی است»، «آب نطلبیده مراد است»، «از تو حرکت از خدا برکت»، «یک در دنیا صد در آخرت»، «دل به دل راه دارد»، «دروغگو دشمن خداست»، «انسان جایز الخطاست»، «پیشانی اش بلند است»، «شکم گرسنه ایمان ندارد / آدم گرسنه ایمان ندارد»، «قدم کسی بد یا خوب بودن»، «تصدق (صدقه برای رفع بلا)»، «آدم بد ذات / بدجنس / بد سرشت / بد طینت / جنسش خراب است»، حرف (کلام) مرد یکی است»، «عیسی به دین خود / عیسی به دین خود / موسی به دین خود»، «خواهی نشوی رسوا / همرنگ جماعت شو»، «خدا همه چیز را به یک بنده نمی‌دهد»، «آب تربت (ترت کربلا برای شفا)»، «جن از بسم الله می‌

ترسد»، «چشم زدن / چشم کسی شور بودن»، «مهمان حبیب خداست»، «حسابش با کرام الکاتبین است»، «شیطان تو (جلد) پوست کسی رفتن»، «دیدار به قیامت»، «دار دنیا»، «چهارقل»، «آه کسی گرفتن / گیرا بودن آه»، «نورباران شود / نور به قبرش بارد»، «قضا و بلا»، «الله بختکی»، «شگون داشتن / نداشتن»، «حق به حق دار می رسد» بررسی شده است.

فصل بعدی به «اندرزها (توصیه ها، رهنمودها و مصلحت ها) اختصاص یافته است که برخی از مباحث این فصل عبارت است از: «احتیاط شرط عقل است»، «آب رو از سرچشمه باید بست»، «کار امروز به فردا مفکن»، «کیوتر با کیوتر باز با باز کند / همجنس با همجنس پرواز»، «گناه کسی را پای دیگری نمی نویسند»، «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»، «هر آنکس که دندان دهد نان دهد»، «آرزو بر جوانان عیب نیست»، «وقت طلاست»، «شنیدن کی بود مانند دیدن؟»، «به در می گویند که دیوار بشنود»، «خفته را خفته کی کند بیدار».

«بینی و بین الله»، «آیه یأس خواندن»، «خدا مرگم بدهد / خدا مرا بکشد»، «خدا جای حق نشسته»، «چشم هم چشمی»، «خدا بد ندهد»، «خدا خر را شناخت که به او شاخ نداد»، «دوری و دوستی»، «هر چه سنگه مال پای لنگه»، «گوش شیطان کرا!»، «چشم شیطان کورا!»، «و روزگار لعنتی» برخی از عناوین مباحث فصل ششم با عنوان «عادات، کردارها و تکیه کلام ها» است.

ششمین و آخرین فصل از کتاب حاضر با عنوان «تجربه های حکیمانه» به مباحثی از جمله «آتش خشک و تر نمی شناسد»، «عجله کار شیطان است»، «جلوی ضرر را هر جا بگیري منفعت است»، «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است»، «از ماست که بر ماست»، «هر کاری چاره دارد»، «جز مرگ دنیا دار مکافات است»، «عمر نوح می خواهد»، «از هر دست دادی از همان دست می گیری»، «صبر ایوب دارد»، «حرف حق تلخ است»، «دنیا وفا ندارد»، «خلایق هر چه لایق»، «عقل که نباشد جان در عذاب است»، «پسته بی مغز اگر لب وا کند رسوا شود»، «این نیز بگذرد» اختصاص یافته است.

برشی از اثر

این تعبیر به معنای نواندیشیده، بدون قصد و غرض مشخص و به امید بخت و اقبال، کاری کردن، نه از روی تعقل آینده نگری. باور به اینکه برخی افراد، بی علت و بدون هر کوششی به نعمت یا موفقیت دست می یابند، در اصل به دلیل نشناختن علل و عوامل است، اما در زبان مردم با واژه یا ترکیبات یاد می شود که گویی از سر اتفاق و شانس و بی حساب چنین موضوعی حادث شده است. در جنبه مخالفت با مفهوم این ضرب المثل می توان از آیات زیر کمک گرفت:

«مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»؛ [آری] آنچه از نیکی ها به تو می رسد، از طرف خداست و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود توست (نساء، آیه ۷۹).

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقَوْمٌ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا يَأْتِيهِمْ»؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و [ملتی] را تغییر نمی دهد، مگر آنکه مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند (رعد، آیه ۱۱).

در مورد در زمینه ضرر و زیان نیز هیچ حادثه ای بی سبب و علت روی نمی دهد چنانکه از این آیه دریافت می شود:

«إِنَّمَا التَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ نجوا تنها از سوی شیطان است؛ می خواهد با آن، مؤمنان غمگین شوند، ولی نمی تواند هیچ ضرری به آنها رساند، جز به فرمان خدا (مجادله، آیه ۱۰).

قرآن کریم باز آنچه را به ما می رسد، نتیجه سعی خودمان می داند، چنان که می فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و اینکه برای انسان، بهره ای جز سعی و کوشش او نیست (نجم، آیه ۳۹).